



مجتهدی: امروز «چرایی مسئله» بی‌اهمیت و «چگونگی» آن مهم است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: امروزه معنای زندگی و مرگ براساس پدیدارهای این جهانی تفسیر می‌شود و با چرایی عمیق کار نداشته و به چگونگی و علت و معلول می‌پردازد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: امروزه معنای زندگی و مرگ براساس پدیدارهای این جهانی تفسیر می‌شود و با چرایی عمیق کار نداشته و به چگونگی و علت و معلول می‌پردازد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس؛ کریم مجتهدی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نشست تخصصی «171؛ غرب و آینده پژوهی»؛ که عصر امروز در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، اظهار داشت: تأمل با زمان ارتباط دارد و باید تقطیع شود و از یونان باستان زمان معارض زندگی و حیات شناخته شد.

وی افزود: تمام فلاسفه بزرگ یونان سعی کردند برای بنیان دادن به علم، زمان را مهار کنند حقیقت نمی‌تواند حرکت کند و مشمول زمان نباشد.

مجتهدی گفت: حقیقت، حقیقت است، خیر، خیر است و زیبایی، زیبایی است. بدینی نسبت به زمان خاصه در مورد برقرار کردن علم ثابت همیشه دیده شده است و زمان به نحوی که ما داریم باید سرمدیت باشد.

وی افزود: در سنت ارسطو، ارسطو تا حدودی مشابه افلاطون و تکامل او است او به عالم «171؛ مثل»؛ مراجعه نمی‌کند که ورای زمان و مکان است بلکه زمان را به نحوی دیگری مهار می‌کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با طرح این پرسش آن نحوه دیگر چیست، گفت: ارسطو از قوه و فعل صحبت می‌کند قوه و فعل تحول می‌یابد زمانی مصادیق علمی یقینی است و چیزی را که مطالعه می‌کنیم باید بدانیم و قابل تعریف باشد. به طور مثال انسان قابل تعریف است انسان نخست نطفه و بالفعل بوده است بعد قابل تعریف است.

وی گفت: در علم جدید مفهوم تاریخ در زمان پیدا می‌شود مفهوم تاریخ در سنت تاریخ معتبر نیست ارسطو را به این دلیل که علم تاریخ کلی نیست و همیشه به جز می‌نگرد و قابل جمع‌بندی نیست علم نمی‌داند و قبل از مسیحیت مفهوم تاریخ به وجود آمد که به آخرت توجه کرد.

مجتهدی ادامه داد: پرسش‌هایی نظیر اینکه از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم. یعنی مبدا و معاد چیست؟ زمان صورت دینی پیدا می‌کند و زمان در تاریخ مهار می‌شود. تاریخ در مبدا و نهایت مهار می‌شود و مفهوم تاریخ به این معنا از مسیحیت و یهود گرفته می‌شود.

وی گفت: انسان و انبیا از خداوند اطاعت کردند. رنج زیادی را کشیدند و داستان ایوب شاهد رنج انسان است و مفهوم صبر ایوب می‌تواند رحمت خداوند باشد و خداوند از درد و رنجی که ایوب برده نعمت صبر را به او عطا کرده است.

نویسنده کتاب «171؛ افکار هگل»؛ ادامه داد: در فلسفه جدید کاری به مبدأ و معاد نداریم و «171؛ ولتر»؛ فرانسوی نخستین کسی است که فلسفه تاریخ را به کار برد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: امروزه معنای زندگی و مرگ براساس پدیدارهای این جهانی تفسیر می‌شود و با چرایی عمیق کار نداشته و به چگونگی و علت و معلول می‌پردازد.

وی ادامه داد: «171؛ ارسطو»؛ نابغه علت و معلول است که ریشه آن را نشان داده است و در منطق به حد وسط، در اخلاق به اعتدال برای نخستین بار اشاره کرده است. اگر غایت را کنار بگذاریم علیت نامدار ارسطو را از بین بردیم و از طریق غایت نمی‌توان پدیدارها را تفسیر کرد. در تبیین علمی جدید غایت مطرح نیست و مطابق نظر مورخان بزرگ مانند «171؛ منتسکیو»؛ نمی‌توان آینده را تصویر کرد.

مجتهدی با طرح این پرسش که اگر ایجاد ترس و امید در مفهوم آینده است آینده دست انسان را باز می‌کند، افزود: اگر ترس داریم به

این علت است که مسئولیت دارم و اگر به آینده فلسفی‌تر فکر کنم وجود آتی ماست و گذر دائمی است.

وی با بیان اینکه توهم و امید دو مفهومی است که با هم مطابق است، خاطرنشان کرد: شخص متوهم در باب آینده منفعل است اما شخص امیدوار در باب آینده تأمل می‌کند امکانات را می‌جوید و با توجه به امکانات به آینده می‌اندیشد.

مجتهدی در پایان خاطرنشان کرد: زمان غیر قابل تصور است هر نوع ساعت حرکت در سطح است و تصویری که از آینده و گذشته داریم حالت سطح دارد و بعد مکان و زمان نیز به آن اضافه می‌شود و عمل انسان در واقعیت مکان و زمان غیرقابل گذشت است.